

دانشگاه تهران/مقالات «تمدن مهندسی» در «بستر تمدن غربی»-۱

پناهیان: هنوز از مرام و تفکر حسین(ع) رفع مظلومیت نشده/ پیام عمیق حسین(ع) به مظلومان تاریخ: اگر تمدن باطل را رها کنید، او شما را رها نمی‌کند/ «جنگ تمدن‌ها» و «گفتگوی تمدن‌ها» شکل نخواهد گرفت، آنچه تحقق پیدا خواهد کرد «تبدل و جایگزینی تمدن‌ها» است/ فطرت بشر در درازمدت قابل فریب دادن

نیست

گفتگوی تمدن‌ها شکل نمی‌گیرد و اصلاً شکل گرفتنی نیست، ساده‌لوحی است که انسان دعوت به گفتگوی تمدن‌ها کند، چون تمدنی که باطل باشد اهل گفتگو نیست. اگر در تمدنی، غلبه با باطل باشد، نمی‌شود با آن گفتگو کرد، شاید بشود مباهله کرد، ولی نمی‌شود گفتگو کرد. مثلاً آیا الان غربی‌ها با تمدن اسلامی گفتگو می‌کنند یا در آن داعش را تزریق می‌کنند؟ آیا این گفتگو است؟ مگر گفتگو با سربیریدن امکان دارد؟! جنگ تمدن‌ها هم شکل نخواهد گرفت، چون وقتی تمدنی باطل باشد، خود به خود فروپاشی و مض محل می‌شود. مثل فروپاشی بلوک شرق؛ که جلوه‌ای از تمدن غرب بود. وقتی آن جلوه‌اش فرو ریخت، این جلوه‌اش هم فرو می‌ریزد؛ بچه که زدن ندارد! قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوفًا» (اسراء/۸۱) اصلاً از نبرد، سخن به میان نمی‌آید. فقط کمی زمان لازم است که بطلان آن تمدن، بیشتر اثبات شود و حقانیت این تمدن هم بیشتر به اثبات برسد.

در ادامه بخش‌هایی از اولین روز سخنرانی حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان در مسجد دانشگاه تهران با موضوع «حرکت جهان به سوی معنویت و آسیب‌های آن» را به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بیان معنوی می‌خوانید:

امام حسین(ع) را به‌خاطر مرامی که می‌خواست حاکم کند به شهادت رسانندند نه به‌خاطر دعوای شخصی

- کسانی که به امام حسین(ع) علاقه‌مند می‌شوند، طبیعتاً به مرام حضرت هم علاقه پیدا می‌کنند. اگر علاقه کسی محدود به شخص امام حسین(ع) باقی بماند و این علاقه را به شخصیت و تفکر امام حسین(ع) منتقل نکند، اولاً خودش از ظرفیت انسانی بالایی برخوردار نیست، ثانیاً به نوعی در حق امام حسین(ع) اجحاف کرده است.

- امام حسین(ع) با کسی دعوای شخصی نداشت و کسی هم با ایشان دعوای شخصی نداشت. بلکه ایشان را «دوست داشتند و کشتند» کما اینکه گفته‌اند: «قُلْوَبُهُمْ مَعَهُ وَ سُيُوفُهُمْ عَلَيْهِ» (لهوف/62) یعنی شخص امام حسین(ع) را می‌شناختند و دوست داشتند ولی ایشان را به شهادت رسانندند؛ به‌دلیل اینکه امام حسین(ع) داشت یک مرامی را حاکم می‌کرد که آن مرام را نمی‌پذیرفتند.

باید برای مظلومیت مرام و اندیشه حسین(ع) هم سوگواری کنیم/ هنوز از مرام و تفکر حسین(ع) رفع مظلومیت نشده

- ما وقتی در محروم برای مظلومیت امام حسین(ع) سوگواری می‌کنیم باید برای مظلومیت مرام و تفکر و اندیشه او هم سوگواری کنیم. چون هنوز هم از مرام حسین(ع) رفع مظلومیت نشده است. اینکه عاشورا و محروم هرسال زنده است، به‌دلیل این است که مظلومیت امام حسین(ع) مظلومیت شخص ایشان نیست، بلکه مظلومیت مرام ایشان است و ایشان فدای این مرام شدند. اگر ما بتوانیم برای مظلومیت مرام حسین(ع) سوگواری کنیم خیلی ارتقاء پیدا کرده‌ایم، شاید آن گریه و اشکی که از ما انتظار دارند، از همین جنس گریه و اشک باشد.

- مظلومیت شخص امام حسین(ع) در سال 61 هجری تحقق پیدا کرد و این مظلومیت با شهادت ایشان پایان یافت و البته اثرش در تاریخ باقی مانده است، اما مظلومیت مرام ایشان هنوز زنده است. مثل اینکه همین الان هم امام حسین(ع) در کربلا محاصره باشد. یعنی ما در عزاداری‌های محرم و عاشورا، باید برای مظلومیت مرام حسین(ع)-که هنوز هم ادامه دارد- عزاداری کنیم.

در جبهه اشقياء و دشمنان حسین(ع) هم بحث اشخاص مطرح نیست، بلکه بحث مرام است

- از سوی دیگر در جبهه دشمنان و اشقياء هم بحث یک نفر به نام یزید، یا عمر سعد یا عبیدالله بن زیاد نیست؛ این تقلیل دادن و خراب کردن ماجرا است! اين عزاداريها فقط برای مظلومیت شخص ابا عبد الله الحسین(ع) نیست، بلکه برای مظلومیت مرام و مكتب امام حسین(ع) هم هست. 20 میلیون زائر اربعین کربلا فقط به خاطر مظلومیت شخص امام نیست که به التهاب درمی آیند، بلکه مظلومیت شخصیت امامت و مكتب ولايت هم مد نظر است. اساساً عظمت مصیبت در این است که در عاشورا به یک امام ظلم کردند؛ وقتی مظلومیت امامت مطرح می‌شود یعنی مظلومیت مكتب. این مظلومیت باید برطرف بشود تا فرج حاصل بشود.

- ممکن است این شبهه برای برخی پیش بیاید که «دیگر بس است! حالا یک اتفاقی افتاده است و بیش از هزار سال از آن می‌گذرد، امام حسین(ع) هم خیلی خوب بود ولی دیگر بس است؛ به زندگی خودتان بپردازید!» در حالی که اينها اصل موضوع را درک نکرده‌اند؛ بحث مظلومیت امامت یعنی مظلومیت یک مكتب است.

- ما وقتی زیارت‌نامه می‌خوانیم، در متن زیارت‌نامه‌ها می‌بینید که بحث شخص مطرح نیست. مثلاً زیارت‌نامه را این‌طوری شروع می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ أَدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ نُوحٍ نُبِيِّ اللَّه...» (کامل‌الزیارات/206) یعنی جریان نبوت را مطرح می‌کنیم. یا این‌طوری سلام می‌دهیم: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ» (من لایحضره‌الفقیه/2-610-زیارت جامعه کبیره) یعنی شما خانواده نبوت هستید؛ نه فقط خانواده نبی(ص). در اینجاها شما می‌بینید که جای پرداختن به مرام است و به ما توصیه شده که این‌طوری ارتباط برقرار کنیم.

هم امام حسین(ع) نماینده یک مرام و یک نظام بود، هم یزید/ یزید محسول یک نظام یا یک تمدن در حال شکل‌گیری بود؛ «تمدن اسلامی منهای ولایت»

- هم امام حسین(ع) نماینده یک مرام و یک نظام بود، هم یزید نماینده یک مرام و نظام بود. و آن رویارویی دو نظام با یکدیگر بود. یزید هم محسول یک نظام یا یک تمدن بود؛ تمدنی که در حال شکل‌گیری بود. و اتفاقاً تمدنی بود که نامش «تمدن اسلامی» بود اما یک «تمدن اسلامی منهای ولایت» که در حال شکل‌گیری بود. حدود پنجاه سال از این تمدن گذشته بود. این تمدن اولین قربانی خود را از اولیاء خدا گرفت تا بقیه انسان‌ها حساب کار خودشان را بکنند!

- این تمدن همه خوبی‌های دین را با خودش برداشت؛ غیر از موضوع ولایت. و بعد هم تمام این خوبی‌ها را به مرور در خودش مندرس کرد و از اسلام چیزی جز اسمش نماند. کما اینکه پیامبر(ص) فرموده بود که بعد از من اسلام به جایی خواهد رسید که جز اسمش باقی نخواهد ماند(سیاستی علی النّاسِ زَمَانٌ لَا يَقُولَ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ يُسَمَّونَ بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النّاسِ مِنْهُ؛ کافی/8/308)

برخورد امام حسین(ع) با یک تمدن بود/ پیام عمیق حسین(ع) به همه مظلومان تاریخ: اگر شما تمدن باطل را رها کنید، او شما را رها نمی‌کند

بنابراین، برخورد امام حسین(ع) با یک تمدن بود. البته امام حسین(ع) رفت که برخورد کند، اما نشد و در مسیر بازگشت بود که او را محاصره کردند. در واقع امام حسین(ع) با آن تمدن نجنگید، بلکه آن تمدن بود که امام حسین(ع) را به قتل رساند و این نهایت مظلومیت امام حسین(ع) است.

یک وقت فکر نکنیم که «امام حسین(ع) برای امر به معروف و نهی از منکر شمشیر برداشت، حمله کرد و به شهادت رسید!» نه، ماجرا این طور نبود. امام حسین(ع) حرکت کرد ولی مردم او را محاصره کردند. بعد امام حسین(ع) فرمود: «خُبْ مَنْ بِرْمَىْ گَرْدَمْ» ولی نگذاشتند برگردد و او را به قتل رسانند و این خیلی نامردی بود که داغ مظلومیت را بالا می‌برد و شدت جنایتکاری آن تمدن را افزایش می‌دهد.

امام حسین(ع) می‌خواست به ما بگوید: «تمدنی که سخیف و باطل است، مهم نیست که شما با آن کاری نداشته باشید؛ او با شما کار دارد» و این خیلی پیام عمیق‌تر، حکیمانه‌تر و نافذتری بود، نسبت به اینکه صرفاً بخواهد به ما دستور بدهد که «قیام کنید» البته بنده نمی‌گوییم که «قیام» در دستور کار امام حسین(ع) نبود! بله، قیام بود ولی از این درس بالاتر این بود که «اگر آن تمدن باطل را رها کنید، او شما را رها نمی‌کند» و این خیلی معنای عمیقی دارد، این پیامی به همه مظلومان تاریخ است.

بنده این عبارت از آقای سید حسن نصرالله را خیلی قشنگ می‌دانم که برای دریافت پیام فوق به ما کمک می‌کند، ایشان می‌فرمود: ما به سوریه می‌رویم و از خودمان دفاع می‌کنیم و این بهتر از آن است که در خانه‌های خودمان بنشینیم تا بیایند مثل چهارپا سر از بدن ما جدا کنند(خبرگزاری فارس؛ خبر 13920525000681) این پیامی است که ایشان از امام حسین(ع) گرفته است که: «ای مظلومان تاریخ، شما اگر با آنها(ظالمان) کار نداشته باشید، آنها با شما کار دارند، پس جلو بروید.»

مظلومیت امام حسین(ع) مظلومیت یک مردم است/ مردم حسین(ع) «تمدن اسلام با محوریت ولایت» است/ تمدن مهدوی همان تمدن حسینی است

مظلومیت امام حسین(ع) مظلومیت یک مردم است و ما الان به این مردم کلمه‌ای اطلاق می‌کنیم به نام «تمدن»؛ تمدنی که می‌خواست شکل بگیرد، و اگر مردم کوفه پای امام حسین(ع) می‌ایستادند، این تمدن شکل می‌گرفت و مدتی هم پیامبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین(ع) تلاش کردند که این تمدن شکل بگیرد اما نگذاشتند. یعنی نگذاشتند «تمدن اسلام با محوریت ولایت» شکل بگیرد و رفتند یک تمدن دیگری را درست کردند.

تمدن اسلام با محوریت ولایت باید برقرار شود و بشریت راه سعادتی جز این نخواهد داشت و تمدن مهدوی در واقع همان تمدن حسینی است؛ هیچ فرقی ندارد. مردم امام حسین(ع) که یک مردم شخصی نبود!

وقتی یک دین می‌آید و یکسری دستورات شخصی می‌دهد، این دستورات وارد جامعه می‌شوند و مناسبات اجتماعی را تعریف می‌کنند. مثلاً این دستور که «ربا حرام است» یا «حدود و دیات به این شکل است...» یا «اعتقاد به امامت» و «امر به معروف و نهی از منکر» و... اینها عناصر یک تمدن هستند و یک تمدن را شکل می‌دهند.

برخی می‌گویند: «در ماه محرم بحث سیاسی نکنید!»، امام(ره): گریه بر امام حسین(ع) یک مسئله سیاسی است/ امام حسین(ع) پی‌ریز تمدنی بود که تمدن دیگری در مقابل مقاومت کرد

• برخی می‌گویند: «در ماه محرم بحث سیاسی نکنید!» پس در محرم باید چه کار کنیم؟ مگر امام حسین(ع) نماینده یک مردم و تفکر نبود و مگر یزید، نماینده یک مردم و تفکر نبود؟ مگر این تفکرها آثار و ابعاد اجتماعی نداشتند؟ اصلاً حضرت امام(ره) می‌فرمود گریه بر امام حسین(ع) سیاسی است. (این جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه‌های دیگری که هست....مسئله، مسئله گریه نیست. مسئله، مسئله تباکی نیست. مسئله، مسئله سیاسی است؛ صحیفه امام/13 / 323. عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داد، یک مسئله سیاسی است؛ همان، ص 327)

• مگر تمدن یک موضوع سیاسی نیست؟! بلکه فراتر از موضوع سیاسی است؛ البته سیاسی نه به معنای جناحی و دعواهای چپ و راست دروغین! امام حسین(ع) مردم داشت و این مردم هم ابعاد و آثار اجتماعی داشت، پس می‌توان گفت که امام حسین(ع) نماینده و پی‌ریز یک تمدن بود که یک تمدن دیگری در مقابل او مقاومت کرد.

«جنگ تمدن‌ها» و «گفتگوی تمدن‌ها» شکل نخواهد گرفت/ آنچه تحقق پیدا خواهد کرد «تبدل و جایگزینی تمدن‌ها» است

• چند سخن مشهور درباره تمدن‌ها وجود دارد که به عنوان پیش‌درآمدی برای بحث تمدن مهدوی، بیان می‌کنیم. دو تعبارت مشهور هست که حتماً برای شما هم آشنا است: یکی «جنگ تمدن‌ها» و یکی هم «گفتگوی تمدن‌ها». یادتان باشد که هیچ کدام از اینها شکل نخواهد گرفت. آن چیزی که تحقق پیدا خواهد کرد «تبدل و جایگزینی تمدن‌ها» خواهد بود.

دعوت به گفتگوی تمدن‌ها ساده‌لوحی است، چون تمدن باطل اهل گفتگو نیست/ مگر گفتگو با سربیریدن امکان دارد؟!

• گفتگوی تمدن‌ها شکل نمی‌گیرد و اصلاً شکل گرفتنی نیست، ساده‌لوحی است که انسان دعوت به گفتگوی تمدن‌ها کند، چون تمدنی که باطل باشد اهل گفتگو نیست. اگر در تمدنی، غلبه با باطل باشد، نمی‌شود با آن گفتگو کرد، شاید بشود مباشه کرد، ولی نمی‌شود گفتگو کرد. مثلاً آیا الان غربی‌ها با تمدن اسلامی گفتگو می‌کنند یا در آن داعش را تزریق می‌کنند؟ آیا این گفتگو است؟ مگر گفتگو با سربیریدن امکان دارد؟!

تمدن باطل خود به خود دچار فروپاشی و اضمحلال می‌شود، مثل فروپاشی بلوک شرق که جلوه‌ای از تمدن غرب بود

• آیا جنگ تمدن‌ها-که حرف جدی تری بود- تحقق پیدا خواهد کرد؟ نه؛ ما به این هم معتقد نیستیم. چون یک تمدن وقتی باطل باشد، فروپاشی می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء/81) اصلاً از نبرد، سخن به میان نمی‌آید. وقتی سخنی باطل بود، خود به خود مضمحل می‌شود. مثل فروپاشی بلوک شرق؛ البته آن هم یک جلوه‌ای از تمدن غرب بود. وقتی آن جلوه‌اش فرو ریخت، این جلوه‌اش هم فرو می‌ریزد؛ بچه که زدن ندارد!

• یک وقت شما فکر نکنید که ما به جنگ تمدن‌ها معتقد هستیم! ما به نجات بشر معتقد هستیم و ما فقط زمان می‌خواهیم که آن تمدن دچار فروپاشی شود و این تمدن شکل بگیرد. یعنی زمان می‌خواهیم که بطalan آن تمدن، بیشتر اثبات شود و حقانیت این تمدن هم بیشتر به اثبات برسد.

فطرت بشر در درازمدت قابل فریب دادن نیست / مظاہر خوبی‌های تمدن غرب، در تمدن اسلامی بهتر تحقق پیدا می‌کند

• ما می‌گوییم که تمدن‌ها شبیه یک مسابقه «دوی امدادی» سعادت بشر را به همدیگر تحویل می‌دهند. البته ممکن است شما تلقی بفرمایید که بنده با این سخن، دارم از تمدن غرب تعریف می‌کنم، اما نه؛ من دارم از فطرت بشر تعریف می‌کنم. فطرت بشر در درازمدت قابل فریب دادن نیست. در ادامه بحث، برخی مظاہر خوب تمدن غرب را مطرح می‌کنیم تا ببینید که چگونه باید نهضت رفع سوء تفاهم ایجاد کرد تا هر کسی که به خاطر این مظاہر خوبی‌ها، شیفتۀ تمدن غرب شده است ببیند که این خوبی در تمدن اسلامی، بهتر تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی در تمدن اسلامی راه حل بهتری برای رسیدن به آن خوبی‌ها هست.

• مثلاً اگر در تمدن غربی از آزادی سخن به میان آمده است، در دین ما این آزادی آنقدر قشنگ‌تر بیان شده و برای تحقق آزادی طرح‌ریزی شده که مقدار سوء استفاده از مفهوم آزادی کمتر می‌شود. البته آنها با مطرح کردن «آزادی» مردم را تحریک کردند و این تحریک مردم برای آزادی باقی مانده است ولی آزادی تحقق پیدا نکرده است، لذا آن مردم، تشنۀ آزادی حقیقی می‌شوند و آن را در اینجا(در تمدن اسلامی) پیدا می‌کنند. درباره تمام خوبی‌های دیگر نیز همین طور است، از جمله مشارکت عمومی و...

اگر به حق زمان داده شود، حقانیت خودش را اثبات خواهد کرد/ در جویان کربلا، عنصر زمان، عنصر عجیبی بود

• ما الان نیاز به فرصت داریم. در جویان کربلا، عنصر زمان، عنصر عجیبی بود. وقتی امام حسین(ع) در مدینه برای بیعت احضار شد و به دارالعماره رفته بود، یاران حسین(ع) بیرون ایستادند و امام حسین(ع) وارد دارالعماره شد. قرار گذاشتند که اگر امام حسین(ع) اشاره کرد، جوانان بنی هاشم، وارد دارالعماره شوند و به یاری حسین(ع) بشتابند(**فَرَأَفَ الْحُسَيْنُ مَا أَرَادَ فَدَعَ جَمَاعَةً مِنْ مَوَالِيهِ وَ أَمْرَهُمْ بِحَمْلِ السَّلَاحِ وَ قَالَ أَجْلِسُوا عَلَى الْبَابِ فَإِذَا سَمِعُتُمْ صَوْتِي قَدْ عَلَا فَادْخُلُوا عَلَيْهِ وَ لَا تَخَافُوا عَلَىٰ**: اعلامالوری/222) والی مدینه به امام حسین(ع) گفت: باید با یزید بیعت کنی ولی امام حسین(ع) نپذیرفت. مروان که آنجا نشسته بود، به والی مدینه گفت که همین الان کار حسین(ع) را بساز و به او زمان نده و الا ما را بیچاره خواهد کرد(**فَقَالَ مَرْوَانُ وَ اللَّهِ لَئِنْ فَارَقَكَ الْحُسَيْنُ السَّاعَةَ وَ لَمْ يُبَايِعْ لَا تَقْدِيرُ مِنْهُ عَلَىٰ مِثْلِهَا أَبْدًا حَتَّىٰ يَكُثُرَ الْفَتْلَى بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ فَلَا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّىٰ يُبَايِعَ أَوْ تَضْرِبَ عُنْقَهُ؛ همان**)

• مروان در اوج نادانی خودش در واقع داشت به مطلب درستی اشاره می‌کرد، اینکه به حق زمان نده و الا حق، حقانیت خودش را اثبات خواهد کرد. در آنجا بود که امام حسین(ع) به مروان نهیب زد که «تو می‌خواهی مرا بکشی؟!» آنها از این نهیب حسین(ع) ترسیدند و ایشان را رها کردند(**فَوَثَبَ عِنْدَ ذَلِكَ الْحُسَيْنُ عَ وَ قَالَ أَنْتَ يَا ابْنَ الزَّرْقَاءِ تَقْتُلُنِي أَوْ هُوَ كَذَبَتْ وَ اللَّهُ وَ أَثْمَتْ فَخَرَجَ؛ همان**)

می خواستند امام حسین(ع) را در منا به قتل برسانند، ظاهراً از قدیم، طرح بوده که منا قتلگاه باشد!

- امام حسین(ع) به سمت مکه حرکت کرد. و یزید هم مأمورانی را فرستاد که ایشان را همانجا ترور کنند و به او زمان ندهند. آنها می خواستند امام حسین(ع) را وقتی می خواهد به سمت منا برود به قتل برسانند. ظاهراً از قدیم، طرح بوده که منا قتلگاه باشد. اما امام حسین(ع) حج خود را تبدیل به عمره کرد.

- امام حسین(ع) به سمت کربلا حرکت کردند، و آنها حرّ را فرستادند که امام حسین(ع) را متوقف کند. به حرّ گفته بودند که امام حسین(ع) نه بر می گردد و نه به کوفه می آید. به حسین(ع) زمان ندهید. ولی امام حسین(ع) زمان می گرفت. وقتی حسین(ع) در کربلا متوقف شد و سپاه عمر سعد آمد، عمر سعد شروع کرد به اینکه امام حسین(ع) را راضی کند که تسليم شود و امام حسین(ع) سعی کرد که عمر سعد را یک مقدار سرِ عقل بیاورد. شمر وسط میدان آمد و به عمر سعد گفت: «عبدالله گفته است که به حسین(ع) زمان نده! اگر تو این کار را نمی کنی، فرماندهای لشکر را به من بده تا او را به قتل برسانم»

آخرین تلاش موفق امام حسین(ع) برای گرفتن زمان.../ ادامه این زمان را زینب کبری(س) از دشمنان گرفت

- آنها عصر تاسوعا حمله کردند تا کار را تمام کنند. آخرین تلاش امام حسین(ع) برای گرفتن زمان، تقاضایی بود که از برادرش عباس(ع) داشت. فرمود: «برو به اینها بگو که یک شب به ما مهلت بدhenد» این آخرین تلاش موفق حسین(ع) برای زمان گرفتن بود؛ تا زمان بگیرد و این حماسه به زیبایی اجرا شود.

- اما ادامه این زمان را زینب کبری(س) از دشمنان گرفت، ما همه برای اسارت زینب(س) سوگواری می کنیم اما تصور کنید که زینب(س) و بچه ها را با احترام سوار بر محمول ها می کردند و به مدینه برمی گردانند و خون امام حسین(ع) را هدر می دادند. اگر به زینب(س) احترام می گذاشتند شاید می توانستند حسین(ع) را در دل تاریک تاریخ به فراموشی بسپارند. و این این خیلی جنایتکارانه تر بود. این شبیه آنجایی بود که آمدند قبرستان بقیع را بشکافند تا قبر فاطمه(س) را بیرون بیاورند و بر آن نماز بخوانند...

